



عبدالكريم باک نیا

ویژگیهای عالمان راستین از منظر امام خمینی (ره)

آنچه را که بر افراد رفاه طلب دشوار می نمود، راحت و آسان گرفتند و با آنچه که ناآگاهان از آن بیم داشتند، مأنوس شدند. با بدنهایی همنشین دنیا گشتند که روحهای آنها به [قله های رفیع] عالم ملکوت پیوند خورده است. آنان جانشینان خدا در زمین او و دعوت کنندگان مردم به سوی دین اویند. آه! آه! چقدر مشتاق دیدارشان هستیم!

در این فرصت، برخی از اوصاف عالمان راستین را از منظر امام

عابد و زاهد و صوفی همه طفلان ره اند مرد اگر هست به جز عالم ربانی نیست عالمان ربانی در هر جامعه ای مایه رشد و ترقی و راهنمایان به سوی هدایت و سعادت اند. امیر مؤمنان علیه السلام در مورد عالمان راستین می فرماید:

«هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيْرَةِ وَبَاشَرُوا رُوْحَ الْبَقِيْنِ وَاسْتَلْتَأْتُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتَرْقُونَ وَ اَنْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ وَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِاَبْدَانٍ اَزْوَاحِهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْاَعْلَى اَوْ لَيْتَكَ خُلُقَاءَ اللّٰهِ فِيْ اَرْضِهِ وَ الدُّعَاةَ اِلَى دِيْنِهِ اَوْ اَوْشَوْقًا اِلَى رُؤْيَيْهِمْ؛^۱ آنان با نور دانش به حقیقت ادراک و بصیرت رسیدند و جوهره یقین را با جان خود دریافتند و

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.

خمینی علیه السلام بررسی می‌کنیم.

پرهیز از تجمل‌گرایی

یکی از ویژگیهای لازم برای عالمان دینی پرهیز از تجمل‌گرایی است؛ چرا که عالمان اشراف‌گرا نمی‌توانند دغدغه خاطر محرومان و مستمندان جامعه را درک کنند و درد آنان را بفهمند. اساساً علاقه به تشریفات، یک عالم را از انجام وظایف انسانی و اسلامی باز می‌دارد و او را از مردم جدا می‌کند و بزرگ‌ترین آفت و مانع کمال انسانهاست.

امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرمود: «من اکثر موفقیت‌های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی، در ارزش عملی و زهد آنان می‌دانم و امروز هم این ارزش نباید به فراموشی سپرده شود که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیا‌گرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیا‌گرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزیهای بی‌مورد مسیر زهد‌گرایی آنان را منحرف سازند.»^۱

آن بزرگوار با دلسوزی تمام از علما و روحانیون درخواست می‌کرد که:

«من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زنی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و هر حذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست.»^۲

«آن روزی که توجه اهل علم به دنیا شد و توجه به این شد که خانه داشته باشم چطور، و زرق و برق دنیا خدای نخواستہ در آنها تأثیر بکند، آن روز است که باید ما فاتحه اسلام را

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۹.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۳۴۲.

بخوانیم»^۱

امام نه تنها عالمان، بلکه تمام مسئولین حکومت اسلامی را از تجمل گرایی و تشریفات بر حذر می داشت و می فرمود: «مصیبتهایی که ملتها می کشند، از این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان جامعه بوده و به دنبال این هستند که ثروتشان را زیاد کنند.»^۲

آن بزرگوار در فراز دیگری از سخنانش خطاب به دولتمردان و روحانیون صاحب منصب کشور می فرماید: «اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید، بدانید که دیر یا زود مطرود می شوید. شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیایید، وجهه تان پیش مردم بزرگ می شود. آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، اینکه زندگی شما ساده باشد؛ همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیر المؤمنین و ائمه ما زندگی شان ساده و عادی بود، بلکه پایین تر از عادی.»^۳

ساده زیستی مدرس علیه السلام

امام خمینی علیه السلام در مورد ساده

زیستی شهید مدرّس می گوید: «منزلش یک منزل محقر از حیث ساختمان و زندگی یک زندگی مادون عادی که در آن وقت لباس کرباس ایشان زباززد بود؛ کرباسی که باید از خود ایران باشد، می پوشید.»^۴

همین نکته موجب آزادگی و پایداری مدرّس در راه هدف بود. او آزادانه سخن می گفت و از هیچ مقام و منصبی واهمه نداشت. فقط برای خدا می گفت و عمل می کرد؛ چنان که خود در این زمینه اظهار می دارد: «اگر من نسبت به بسیاری از اسرار آزادانه اظهار عقیده می کنم و هر حرف حقی را بی پروا می زنم، برای آن است که چیزی ندارم و از کسی هم نمی خواهم. اگر شما هم بار خود را سبک کنید و توقع را کم نمایید، آزاد می شوید.»^۵

مدرّس خود در مورد توانایی پایداری اش در مقابل استبداد داخلی و

۱. همان، ج ۱۷، ص ۳۷۶.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۳۱۸.

۳. همان.

۴. فرهنگ کوثر، ش ۳۶، ص ۲۲.

۵. کیهان، ۱۳۸۱/۹/۱۰.

هستند، سعادت‌مند نیستند. آن مقداری که برکات از کوخها در دنیا منتشر شده است، هیچ در کاخها پیدا نمی‌شود.

مایک کوخ چهار پنچ نفری در صدر اسلام داشتیم و آن کوخ فاطمه زهرا علیها السلام است. از این کوخها هم محقرتر بوده، لکن برکات این چی است؟ برکات این کوخ چند نفری آن قدر است که عالم را پر کرده است از نورانیت و بسیار راه دارد تا انسان به آن برکات برسد. این کوخ نشینان در کوخ محقر، در ناحیه معنویات آن قدر در مرتبه بالا بودند که دست ملکوتیها هم به آن نمی‌رسد و در جنبه‌های تربیتی آن قدر بوده است که هر چه انسان می‌بیند برکات در بلاد مسلمین هست و خصوصاً در مثل بلاد ماها، اینها از برکت آنهاست. خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله که در رأس همه واقع است، زندگی کوخ نشینی داشته است. خیال نشود که یک اتاق، حتی یک اتاق نظیر اتاق متوسط این جامعه داشته‌اند. چند تا

استعمار خارجی می‌گوید: «از مال دنیا چیزی جز پیراهن ژنده کرباس ندارم تا نگران از دست دادنش باشم.»^۱

امام می‌فرمود: «اگر خدای نخواستہ مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده‌اند، عمارت درست کرده‌اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است، از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان.»^۲

الگو پذیری از اهل بیت علیهم السلام

رهبر کبیر انقلاب در رهنمودهایش عالمان دینی را به الگو پذیری از اهل بیت علیهم السلام توصیه کرده، می‌فرماید: «انسان گمان می‌کند سعادتش به این است که چند تا باغ داشته باشد، چند تا ده داشته باشد، در بانکها سرمایه داشته باشد، در تجارت چه باشد. شاید انسان این گمان را می‌کند؛ لکن ما وقتی که ملاحظه می‌کنیم و سعادت‌ها را سنجش می‌کنیم، می‌بینیم که سعادت‌منداها آنهایی بودند که در کوخها بودند. آنهایی که در کاخها

۱. همان.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۱۷.

نمی‌شود یک همچو کاری انجام بگیرد. وقتی که در متأخرین از علما ملاحظه می‌کنیم می‌بینیم که «صاحب جواهر» یک همچو کتابی نوشته است که اگر صد نفر انسان بخواهند بنویسند، شاید از عهده برنایند و این کاخ نشین نبوده. آن طور که نقل می‌کنند در آن وقتی که ایشان این کتاب را نوشته‌اند، سرداب در نجف نبوده، سرداب را «شیخ انصاری» از ایران برای نجف سوغات برده، یک منزل محقر داشتند و در یک اتاقشان باز بوده به یک دالانی - از قراری که نقل می‌کنند - که در آن هوای گرم نجف یک نسیمی، نسیم داغی می‌آمده است و ایشان مشغول تحریر «جواهر» بودند. از یک آدمی که علاقه به شکم و شهوات و مال و منال و جاه و امثال اینها دارد، این کارها نمی‌آید. طبع قضیه این است که نتواند. زندگی «شیخ انصاری» را همه شنیده یعنی بسیاری شنیده‌اند چه وضعی داشته است در زهد. اگر نبود آن وضع، نمی‌توانست آن

حجره داشته‌اند، حجره‌های محقر.^۱

علماء راستین، رهروان

اهل بیت علیهم‌السلام

«طبع کاخ نشینی منافات دارد با تربیت صحیح، منافات دارد با اختراع و تصنیف و تألیف و زحمت. اگر در سرتاسر دنیا هم بخواهید گردش کنید و پیدا کنید، اگر موفق بشوید، یکی دو تا و چندتا است. تمام مصنفین از این کوخ نشینان بودند تقریباً و تمام مخترعین از همین کوخ نشینان بودند تقریباً. ما وقتی که در مذهب خودمان ملاحظه می‌کنیم که فقه ما آن طور غنی است و فلسفه ما آن طور غنی است، آن اشخاصی که این فقه را به این غنا رساندند و آن اشخاصی که این فلسفه را به این غنا رساندند، کاخ نشینان نبودند، کوخ نشینان بودند. «شیخ طوسی» که مبدأ این امور و ارزنده‌ترین اشخاص در جامعه تشیع بوده است، یک کاخ نشین نبوده است. اگر کاخ نشین بود، نمی‌توانست این کتبی که تحویل جامعه داده است و این شاگردهایی که تحویل جامعه داده است، تحویل بدهد. در قشر مرفه

۱. همان، ج ۱۷، ص ۳۷۴.

دینی فرمود: «مساجد و محافل دینیه را - که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین هستند - هر چه بیشتر گرم و مجهز نگه دارید!»^۳

یکی از یاران امام خمینی علیه السلام می گوید: «بعد از شهادت حاج آقا مصطفی علیه السلام، همان روز تا صدای اذان بلند شد، امام نیز بلند شد و برای وضو آماده شد و به اطرافیان گفت: من به مسجد می روم.

من به یکی از خادمها گفتم: زود برو و به خادم مسجد بگو: سجاده را پهن کند. او به مسجد رفت، اما خادم را پیدا نکرده بود. اصلاً کسی احتمال نمی داد که امام خمینی علیه السلام در آن روز با آن حال بحرانی که در شهادت فرزندش عزادار بود، به مسجد برود؛ اما امام خمینی علیه السلام با آن مصیبت عظیمی که برایش رخ داده بود، برای اقامه نماز جماعت به مسجد رفت. وقتی مردم فهمیدند که امام خمینی علیه السلام به مسجد می آید، جمعیت یک دفعه از همه

شاگردهای بزرگ را تربیت کند و نمی توانست آن کتابهای ارزنده را تحویل جامعه بدهد.»^۱

سنگربانان اسلام

احیا و تقویت اجتماعات مذهبی در مساجد، یکی از سنتهای حسنه است که از صدر اسلام مورد توجه رهبران مذهبی، بوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَمُجِي عَنهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَرُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ»^۲ هر کس به سوی یکی از مساجد خدا حرکت کند، برای هر قدمی که بر می دارد تا زمانی که به منزلش برگردد، ده حسنه نوشته می شود و ده گناه از او پاک می شود و ده درجه به وی داده می شود.»

عالمان شیعه در طول تاریخ از این سنگر معنوی دفاع کرده و با حضور خود آن را به عنوان یک پایگاه نیرومند اعتقادی حفظ کرده اند. امام خمینی علیه السلام، اهمیت حضور در مسجد و رونق بخشیدن به اجتماعات آن را مد نظر قرار داده و در مورد وظایف عالمان

۱. همان.

۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۱.

۳. صحیفه امام، ج ۷۲، ص ۴۵۱.

حضرت امام خمینی علیه السلام در شرح این حدیث می فرماید: «هان! ای عزیز! تفکر کن در این حدیث شریف! بین مقام صدق لهجه و رد امانت تا کجاست که علی بن ابی طالب علیه السلام را بدان مقام بلند رسانید. از این حدیث معلوم می شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله این دو صفت را از هر چیز بیشتر دوست می داشتند که در بین تمام صفات کمالیه مولی علیه السلام این دو او را مقرب کرده است و بدان مقام ارجمند رسانده است. جناب صادق علیه السلام نیز در بین تمام افعال و اوصاف، این امر را که در نظر مبارکشان خیلی اهمیت داشته، به ابن ابی یعفور که مخلص و جان نثار آن بزرگوار بوده، پیغام داده و سفارش فرموده به ملازمت آنها.»^۲

امام در گفتار دیگری عالمان دین را امانتدار ارزشهای الهی معرفی کرده، می فرماید: «اسلام امروز در دست ما

طرف به مسجد هجوم آوردند. ما وقتی به مسجد رسیدیم، مردم همه گریه می کردند؛ چه گریه ای! امام وارد مسجد شد، نماز را به جماعت اقامه کرد و بعد از نماز روضه خوانده شد و امام و همه حاضرین گریستند.»^۱

راستی و امانتداری

امام صادق علیه السلام به ابی کهمس فرمود: «إِذَا أَتَيْتَ عَبْدَ اللَّهِ فَأَقْرَنْهُ السَّلَامَ وَقُلْ لَهُ إِنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ لَكَ أَنْظِرْ مَا بَلَغَ بِهِ عَلِيُّ علیه السلام عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَالزَّمْهُ فَإِنَّ عَلِيًّا علیه السلام إِنَّمَا بَلَغَ مَا بَلَغَ بِهِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ»^۲ هر گاه پیش عبد الله [بن ابی یعفور] رفتی، سلام [مرا] به او برسان و بگو: جعفر بن محمد به تو می گوید: دقت کن در آن چیزی که به وسیله آن علی علیه السلام در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله سرفراز شد [و او را به آن مقامات عالی رساند]. پس [تو هم] آنها را [برای خودت] لازم بدان [و رفتار خویش را با آن اوصاف زیبا بیاری]. مطمئناً علی علیه السلام با راستگویی و امانتداری در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله به آن درجه و عظمت رسید.»

۱. سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی علیه السلام،

ج ۱، ص ۶۵.

۲. اصول کفافی، کتاب الایمان و الکفر،

باب الصدق و اداء الامانة، ح ۵.

۳. چهل حدیث، امام خمینی علیه السلام، ص ۴۷۷.

بیازاریم و موانع غیبت حضرت را بیشتر کنیم؟ مسلماً در این زمینه عالمان دینی تکلیف و مسئولیت مضاعفی بر عهده دارند.

حضرت امام خمینی علیه السلام در این باره می فرماید: «نامه اعمال ما می رود پیش امام زمان علیه السلام هفته ای دو دفعه به حسب روایت. من می ترسم ما که ادعای این را داریم که تبع این بزرگوار هستیم، شیعه این بزرگوار هستیم، اگر نامه اعمال را ببیند و می بیند؛ تحت مراقبت خداست، نعوذ بالله شرمنده شود... من خوف آن را دارم که کاری بکنیم که امام زمان علیه السلام پیش خدا شرمنده بشود که اینها شیعه تو هستند، این کار را می کنند! نکنند یک وقت خدای نخواستگی یک کاری از ماها صادر بشود که وقتی نوشته برود، نوشته هایی که ملائکه الله مراقب ما هستند، رقیب هستند، هر انسانی رقیب دارد و مراقبت می شود، ذره هایی که بر قلبهای شما می گذرد، رقیب دارد، چشم ما رقیب دارد، گوش

امانت است؛ امانتی است که از دست رسول الله صلی الله علیه و آله اخذ کردیم و لازم است که او را حفظ کنیم و به این امانت خیانت نکنیم.»^۱

توجه به امام زمان علیه السلام

عالمان راستین همیشه خود را علاوه بر حضور در محضر خداوند متعال، در معرض مراقبت امام زمان علیه السلام نیز احساس می کنند و اعمال و رفتار و کردار خود را با توجه به رضایت آن گرامی که همان رضایت خداوند متعال است، تنظیم می کنند. آنان می کوشند در اولین گام از رنجاندن دل آن حجت یگانه الهی خودداری کنند و با پیمودن صراط مستقیم و دوری از خطاها و گناهان، آزار و رنجشی به حضرت نرسانند و با زمزمه این فراز از دعای ندبه: «عَزِيْزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيْطَ بِكَ دُوْنِي الْبَلْوَى وَ لَمَّا يَسْأَلُكَ مِنِّي ضَجِيْحٌ وَ لَمَّا شَكُوْى؟»^۲ آقای من! چه قدر بر من سخت است که رنج و بلا تو را احاطه کند و ناله و شکوایی از من به تو نرسد!» بر خود نهیب می زنند که:

آیا با این حال، رواست که ما خود با رفتارهای نادرستمان آن گرامی را

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۸.

۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۸.

قدرتی در مقابل او نمی‌ایستاد... یک وقت رضا خان به مدرس گفته بود: سید! از جان من چه می‌خواهی؟ گفته بود که می‌خواهم تو نباشی.^۳

امام علیه السلام به مردم سفارش می‌کرد که نمایندگان شجاع و با ایمان انتخاب کنند و می‌فرمود: «کسانی را که انتخاب می‌کنید، باید مسائل را تشخیص دهند، نه از افرادی باشند که اگر روس یا آمریکا یا قدرت دیگری تشری زد، بترسند. باید بایستند و مقابله کنند.»^۴

بنابراین، عالمانی که نفس ضعیف دارند و در حوادث مرعوب قدرتمندان و استعمارگران می‌شوند، شایسته وکالت امام زمان علیه السلام نیستند و آنان نمی‌توانند در مواقع سخت از کیان مذهب دفاع کنند.

شهادت طلبی

شهادت طلبی و آرزوی فدا شدن در راه احیای ارزشهای دینی، یکی

مارقیب دارد، زبان مارقیب دارد، قلب مارقیب دارد. کسانی که مراقبت می‌کنند اینها را، نکنند که خدای نخواستہ از من و شما و سایر دوستان امام زمان علیه السلام یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان علیه السلام باشد! مراقبت کنید از خودتان!^۱

شهامت و شجاعت

از منظر امام خمینی علیه السلام یک عالم دینی باید در برابر دشمنان اسلام اقتدار و شجاعت داشته باشد و برای بیان حق از خود شهامت نشان دهد و مردم را هم این گونه تربیت کند. امام می‌فرمود: «روحانیون ما در شهرها باید روح شهامت و شجاعت و شهادت را در کالبد مردم ما بدمند.»^۲

امام خمینی علیه السلام با ستایش از شهامت و شجاعت آیه الله مدرس علیه السلام می‌گوید: «آن روزی که رضا شاه آمد و آن همه کارها را کرد، باز یک آخوند بود که توی مجلس، به اسم مدرس مقابلش ایستاد و می‌گفت: نه. هیچ کس نبود، مدرس بود و چند نفر که اطراف او بودند. دیگر در تمام مملکت هیچ

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۹۲.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۴۴.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۲۲.

۴. انتخابات و مجلس از نگاه امام خمینی علیه السلام،

ص ۲۰۲.

مجاهدین ما در راه استقلال و آزادی و اهداف توسعه اسلام بزرگ الگو بگیرند و با پیوستن به هم، سد استعمار و استثمار را بشکنند، به پیش به سوی آزادی و زندگی انسانی بروند.^۳

نماز اول وقت

از نشانه‌های عالمان ربانی، اهمیت دادن به نماز اول وقت است. امام صادق علیه السلام فرمود: «اخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِخَصَلَتَيْنِ فَإِنْ كَانَتَا فِيهِمْ وَإِلَّا فَأَعْرَبْ ثُمَّ اغْرُبْ ثُمَّ اغْرُبْ مَحَافِظَةَ عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي مَوَاقِيتِهَا وَالْبِرَّ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ»^۴ برادران دینی خود را با دو خصلت بسنجید! اگر این دو علامت در آنها بود، [با آنان همراهی کنید] وگرنه هر چه می‌توانید، از آنان فاصله بگیرید! [آن دو نشانه عبارت است از: ۱. محافظت بر نماز در وقت فضیلت آن؛ ۲. نیکی به برادران دینی در سختی و راحتی].

حضرت امام خمینی علیه السلام خود به عنوان اسوه عالمان ربانی، گوی سبقت

دیگر از خصوصیات عالمان راستین در دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. آن عارف وارسته با تجلیل از عالمان شهید می‌فرمود: «اگر بند بند استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستیمان را در جلو دیدگانمان به اسارت و غارت برند، هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم.»^۱

و می‌فرماید: «ما که اگر شهید بشویم، قید و بند دنیا را از روح برداشته‌ایم و به ملکوت اعلی و به جوار حق تعالی رسیده‌ایم، چرا نگران باشیم؟ مگر مردن هم نگرانی دارد؟ مگر شهادت هم نگرانی دارد.»^۲

همچنین حضرت امام در بخشی از پیام تسلیت خود به مناسبت شهادت آیه الله قاضی، در مورد مقام شهادت طلبی عالمان دینی فرمود: «شهادت در راه خداوند زندگی افتخارآمیز ابدی و چراغ هدایت برای ملت‌هاست.

ملت‌های مسلمان از فداکاری

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۸.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۸.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۴۲۰.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۶۷۲.

که هر کدام میلیونها بیننده دارد؛ C.N.N بود، B.B.C بود، تمام تلویزیونها چه در آمریکا و چه در اروپا بودند. خبرگزاریها همه بودند؛ اسوشیتد پرس، یونایتد پرس، رویتر و تمام خبرنگاران روزنامهها، مجلات، رادیو، تلویزیون. در چنین موقعیت حساسی، امام حرفشان را قطع کردند و رفتند سراغ نماز.^۱

حفظ استقلال کشورها

امام خمینی علیه السلام در مورد خدمات و برکات عالمان راستین می فرماید: «تمام ممالک اسلامی مرهون این طایفه هستند. اینها ایند که تا به حال استقلال ممالک اسلامی را حفظ کرده اند. این ذخایر هستند که همیشه با نصیحت خود مردم سرکش را خاموش کرده اند. در عین حال، روزی که ببیند اسلام در معرض خطر است، تا حد امکان کوشش می کند. اگر بانشر مطالب شد، با گفتگو شد، با فرستادن اشخاص شد قیها و اگر نشد، ناچار هستند قیام کنند.

را از همگان ربوده بود. داستان زیر شاهد این حقیقت راستین است. آقا سید احمد خمینی علیه السلام می گوید: روزی که شاه فرار کرد، مادر پاریس در نوفل لوشاتو بودیم. پلیس فرانسه خیابان اصلی نوفل لوشاتو را بست. تمام خبرنگاران کشورهای مختلف آنجا بودند. خبرنگاران خارجی از آفریقا، آسیا، اروپا و آمریکا و شاید ۱۵۰ دوربین فقط صحبت امام را مستقیم پخش می کردند؛ برای اینکه خبر بزرگترین حادثه سال را مخابره کنند، شاه رفته بود و می خواستند ببینند که امام چه تصمیمی دارد؟ امام بر روی صندلی ایستاده و در کنار خیابان، تمام دوربینها بر روی امام متمرکز شده بود. امام چند دقیقه صحبت کردند. من در کنار امام ایستاده بودم. یک مرتبه برگشتند و گفتند: احمد! ظهر شده؟ گفتم: بله، الآن ظهر است. بی درنگ امام گفتند: والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. شما ببینید در چه لحظه ای امام صحبتهایشان را رها کردند. برای اینکه نمازشان را اول وقت بخوانند؛ یعنی جایی که تلویزیونهای سراسری

اینها (مراجع تقلید) کسانی هستند که در عین حال که علاقه به اتحاد و وحدت تمام طوایف مسلمین دارند، لکن تا آن حدی می‌توانند تحمل کنند که استقلال مملکت را در خطر نینند، به یک چیزهایی که ممکن است خود دولتها هم وارد و متوجه نباشند. اینجا شرع تکلیف معین فرموده است. چیزی نیست که علما بتوانند از خودشان بگویند. قیام، قیام قرآنی و دینی بود.

به بنده شبی که بنا بود فردای آن در مسجد سید عزیز الله، برای تنبه دولتها دعا کنند، اطلاع دادند دولت بنا دارد مقاومت کند. ما دیدیم علما در اینجا تکلیف دیگری دارند. من تصمیم آخر را ضمن ابتهال (دعا و مناجات و استمداد از حضرت حق) به خداوند متعال گرفتم و به هیچ کس هم نگفتم و لکن خداوند بر دولت شاه و ملت منت گذاشت. اگر خدای نکرده جسارتی به علمای تهران شده بود، من یک تصمیم خطرناکی گرفته بودم؛ اما دولت، بعد از نیمه شب متوجه شد نمی‌شود بسا قوای مردم مقاومت

کرد...»^۱

نمونه‌هایی از عالمان راستین میرزای شیرازی

امام خمینی علیه السلام با تجلیل از اقدام با شکوه میرزای شیرازی می‌فرماید: «همیشه علما و زعمای اسلام، ملت را نصیحت و به حفظ آرامش دعوت می‌کردند. خیلی از زمان «میرزای بزرگ» مرحوم حاج میرزا محمد حسن شیرازی نگذشته است. ایشان با اینکه یک عقل بزرگ متفکر بود و در سامره اقامت داشت، در عین حالی که نظرشان آرامش و اصلاح بود، لکن وقتی ملاحظه کردند برای کیان اسلام خطر پیش آمده است و شاه جائز آن روز می‌خواهد به وسیله کمپانی خارجی، اسلام را از بین ببرد، این پیرمرد که در یک شهر کوچک نشسته و سیصد نفر طلبه بیشتر دورش نبود، ناچار شد سلطان مستبد را نصیحت

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.

بودند: مقلدان شما وجوه شرعیه را چگونه به دست مرجعشان برسانند؟ فرموده بود:

«جایی که آخوند هست، وجوهات شرعیه را برای من نفرستید!»^۳

شهید مدرّس

حضرت امام خمینی علیه السلام از آیه الله مدرّس به عنوان عالم ممتاز و اسوه فضیلت و کمال و تدبیر و سیاست و دیانت یاد کرده و فرموده‌اند: «اینک که مدرّس با سربلندی از بین مارت، بر ماست که ابعاد روحی و بینش سیاسی و اعتقادی او را هر چه بهتر بشناسیم؛ زیرا که او زنده است و الگوی تمامی مبارزان است.»

و در انتخاب نمایندگان به ملت ایران سفارش فرمودند که: «سعی کنید مثل مرحوم مدرّس را انتخاب کنید؛ البته مثل

۱. همان.

۲. همان.

۳. همجو سلمان، ص ۱۰۷، ۱۰۸ و ۱۴۵، به نقل از فصلنامه فرهنگ همدان، ش ۱۰، ص ۱۹.

کند. مکتوبات او هم محفوظ است. آن سلطان گوش نمی‌داد و با تعبیرات سوء و بی ادبی به مقام شامخ عالم بزرگ رو به رو شد تا آنجایی که آن عالم بزرگ مجبور شد یک کلمه بگوید که استقلال ایران برگردد.»^۱

میرزا محمد تقی شیرازی

امام همچنین می‌فرماید: «استقلال عراق نیز مرهون فتوای میرزای مجاهد، مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی است. اگر ایشان نبود عراق از بین رفته بود. بعد از اینکه دیدند عراق در معرض خطر است، یک کلمه فرمودند. عرب پشتیبانی کردند، مطلب را برگردانید.»^۲

ملا علی همدانی

آخوند ملا علی همدانی نمونه‌ای از عالمان تقوا پیشه است که امام خمینی علیه السلام به این یار قدیمی و هم دوره تحصیلی خود عشق می‌ورزید. هنگامی که از امام خمینی علیه السلام پرسیده

مناجات و عبادت و عرفان، رسیدگی به محرومان و مستمندان، سعه صدر و حسن تدبیر، و صداقت در رفتار و گفتار، برخی از صفات برجسته این مرد الهی و عالم ربانی بود.

شهید مطهری

شهید مطهری نیز از عالمان راستین در کلام امام راحل علیه السلام شمرده شده است. حضرت امام خمینی علیه السلام در باره استاد مطهری فرمود: «او در عمر کوتاه خود اثرات جاویدی به یادگار گذاشت که پرتوی از وجدان بیدار و روح سرشار از عشق به مکتب بود.» و در فرازی دیگر فرمود: «مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود، رفت و به ملا اعلی پیوست؛ لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی اش نمی رود.»^۲

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۷۶.

۲. لمعاتی از شیخ شهید، ص ۹.

مدرّس که به این زودیهها پیدا نمی شود، شاید آحادی مثل مدرّس باشند.»^۱
شهید مدرّس علاوه بر داشتن هوش و دانش سرشار دینی و اجتماعی و دارا بودن مقام اجتهاد و عدالت و تقوا، وجود خویش را به کمالات انسانی و فضائل اخلاقی آراسته بود. او که منادی حق و عدالت و آزادی و استقلال بود، با هر گونه تبعیض ناروا و امتیاز طلبیهای غیر قانونی شدیداً مخالفت می کرد.

قناعت و ساده زیستی، عفو و اغماض، اجتناب از کینه ورزی، شهامت و شجاعت، قاطعیت و تدبیر، فصاحت و بلاغت کم نظیر، تیز بینی و دور اندیشی، مناعت طبع و عزت نفس، صبر و استقامت، ظلم ستیزی و ظالم گریزی، اخلاص و تواضع، نظم و انضباط، قانونمداری، عظمت و استقلال خواهی برای کشور، بی اعتنائی به فرهنگ مزورانه استعمارگران و بیگانگان، عشق به

کانون عالمان راستین

حضرت امام خمینی علیه السلام از شهر قم به عنوان کانون عالمان راستین نام می برد و به آن شهر افتخار می کرد و می فرمود: «قم حرم اهل بیت علیهم السلام است. قم مرکز علم است. قم مرکز تقواست. قم مرکز شهادت و شهامت است. از قم علم به همه جهان صادر شده است و می شود و از قم شهادت به همه جا صادر می شود. قم شهری است که در آن ایمان و علم و تقوا پرورش یافته، و... از زمان ائمه اطهار علیهم السلام مورد توجه اسلام بوده است. و از قم تقوا، شجاعت، شهامت، و همه فضایل به همه جا صادر می شد و صادر خواهد شد.

علمایی که در قم من ادراک کرده ام، کسانی بودند که در دنیا نمونه بودند، در علم و در تقوا و من امیدوارم که ادامه پیدا کند، این علم و تقوا در شهر شما تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام.^۱

حضرت امام، همچنین می فرماید: «ما او ایلی که آمدیم قم، در

آنجا چه اشخاصی بودند. شخص اول قم در جهت زهد و تقوا و اینها مرحوم شیخ ابو القاسم قمی [از علمای بزرگ قم، متوفی ۱۳۵۲ ق]، مرحوم آقا شیخ مهدی [دارای مقامات عالیه و صاحب کرامات اخلاقیه] و عده دیگری و شخص نافذ آنجا و متقی مرحوم سید محمد برقی و مرحوم آ میرزا محمد ارباب. همه اینها را من منزلهاشان رفتم. آن که ریاست صوری مردم را داشت و ریاست معنوی هم داشت با آنکه زاهد بود، در زندگی مشابه بودند. مرحوم آ شیخ ابو القاسم من گمان ندارم هیچ طلبه ای مثل او بود. زندگی اش یک زندگی ای بود که مثل سایر طلبه ها اگر کمتر نبود، بهتر نبود... وقتی انسان در آن محیط واقع می شد که اینها را می دید، همین دیدن اینها برای انسان یک درسی بود، دیدن وضع زندگی آنها.^۲

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۶۵.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۲۵۱.